

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ اپریل ۲۰۲۲

فوری:

"خلیلزاد" حامل فرمان کودتا علیه "عمران خان"!

جمعه - ۱۲ حمل ۱۴۰۱ - کابل: با عرض پوزش خدمت تمام خوانندگان از این که به نسبت عاجل بودن مسأله تدارک کودتای امریکائی در پاکستان، عرض سپاسم را خدمت "کابل" به تعویق می اندازم:

هرگاه به خبر های روز های اخیر دقت نموده باشید، حتماً متوجه شده اید که "عمران خان" صدراعظم کشور پاکستان در آستانه سرنگونی از جانب امریکا قرار گرفته است، آنچه این روند را فوریت می بخشد، مسافرت "خلیلزاد" به نمایندگی از یک اداره نامعلوم امپریالیسم امریکا و دیدارش با لوی درستیز آن کشور "قمر جاوید باجو" می باشد. در یادداشت امروز مکث مختصری در همین زمینه داریم:

۱- یکی از دروسی که امپریالیسم امریکا از سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا فرا گرفت، تغییر در روش کودتا هایش بود. یعنی در حالی که شوروی متوفا با کودتای درون حزبی با حد اقل خونریزی در ظاهر، نوکرانش را از یکی به دیگری تعویض می نمود، امپریالیسم امریکا در طول قرن بیست خونین ترین کودتا ها را سازماندهی نموده، در جریان انتقال قدرت از یک نوکر سرکش و یا نوکر حریف به هزاران نفر را در خیابانها به قتل می رسانید، - نمونه چیلی- بعد از اضمحلال شوروی، با تغییر روش همیشه کوشیده است تا مخالفانش را تقریباً بدون دخالت علنی ارتش و پولیس، از طریق کودتا های اداری متکی بر قوانین خود آن کشور توسط دو قوه دیگر به زیر بکشد.

یعنی در حالی که ظاهراً ارتش خود را بیطرف اعلام داشته است، امپریالیسم امریکا از طریق اعمال نفوذ در دو قوه دیگر یعنی قوای قضائیه و مقننه، با ساختن دوسیه های کاملاً جعلی، فردی را که با امپریالیسم امریکا در مخالفت قرار داشت، یا زیر نام سلب اعتماد از جانب پارلمان و یا هم اتهام فساد به وسیله قضاء، از قدرت به زیر کشیده است. آنچه در تمام این حالات به مثابه محور مشترک عمل نموده، حمایت غیر مستقیم ارتش، پولیس و بقیه نیروهای امنیتی از روند کودتا بوده است. نمونه های برجسته چنین کودتاهائی را در برازیل، پاکستان مشرف، بولیویا، اوکراین و چندین کشور دیگر می توان، مثال آورد.

۲- دولت پاکستان که از بدو پیدایش آن، دستنگر و تابع قدرت های امپریالیستی بوده به مثابه دست دراز آنها در منطقه عمل کرده است، بعد از آن که در طی جنگ ۱۹۷۱ با هند از جانب غرب و پیمان سیتو تنها گذاشته شد و اگر "ذوالفقار علی بوتو" با یک "نرمش قهرمانه!!" بر جنگ نقطه پایان نمی گذاشت، به دنبال جدائی "بنگله دیش" احتمال فروپاشی کامل پاکستان نیز، منتفی نبود، دست خود را به دامان چین دراز نمود و از آن به بعد، در بیشتر اوقات به مثابه "گوساله

دومادره" هم از آخور غرب خورده است و هم از توبره چین؛ تا جائی که دیده می شود به موازات کاهش نقش و تأثیر امپریالیسم امریکا در مناسبات سیاسی و اقتصادی بین المللی، دولت پاکستان حفظ تعادل بین امریکا و چین را به نفع رابطه با چین و روسیه و از همان طریق احتمال سازش با هند نیز فزونی بخشیده است.

۳- این حرکت دولت پاکستان در ماه های اخیر عمدتاً خود را در دو زمینه متبازل ساخت:

* - فراری ساختن "غنی احمدزی" و انتقال حاکمیت به طالب با ناکام ساختن تمام برنامه های انتقال قدرت امریکائی که "خلیلزاد" از طریق دوحه در صدد اجرای آن بود و می خواست جواسیس تکنوکرات با طالب یکجا سازد؛

* - امتناع از قطع رابطه با روسیه با پیوستن به خیل دنباله روان سیاست های امپریالیسم امریکا و انگلستان در قبال روسیه و چین.

هموطنان گرامی!

این دو ترمرد "عمران خان" که فکر می شود در تبنای با ارتش پاکستان بایست صورت گرفته باشد، به مذاق امریکا خوش نخورده، از همین رو می خواهد با استفاده از روش کم مصرف کودتا ها در قرن ۲۱، یعنی خریدن تعدادی از اعضای پارلمان عمران خان را از قدرت برکنار نماید.

جهت انجام این مأمول، مسلم است که در کشوری مانند پاکستان که ارتش آن کشور حرف اول و آخر را می زند، نیروهای سیاسی به تنهایی و بدون اجازه و موافقت ارتش نمی توانند هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نمایند. اینجاست که امپریالیسم امریکا، "خلیلزاد" را از زرادخانه استعماری خود مجدداً بیرون کشیده به پاکستان می فرستد. نا میرده هم در نخستین روز مسافرتش با بالاترین مقام نظامی آن کشور که مستقیماً بر تمام ارتش فرمان می راند دیدار می کند و به اساس خبرنامه ارتش به وی اطمینان می دهد که دولت امریکا از تحولات دیپلماتیک در پاکستان و نقش ارتش در آن حمایت می نماید.

این وعده یعنی به "قمر جاوید باجوآ"، چک سفید حمایت از وی را در مقابل "عمران خان" می دهد.

هموطنان گرامی!

هرچند "عمران خان" امروز با ارسال اعتراض رسمی از طریق سفارت امریکا به دولت آن کشور، مخالفتش را با سیاست های امریکا نشان داد، مگر تجربه در سایر کشور ها به خصوص ونزویلا نشان داده است، که عامل کنترل سیاست های تجاوزگرانه امریکا و به شکست کشاندن آنها، چنین اعتراضاتی شده نمی توانند، عکس آن برای به شکست کشاندن سیاست های تجاوزگرانه امریکا می باید توده های میلیونی کشور بر روی خیابانها بمانند و به علاوه آن که وکلای خود فروش پارلمان را به مبارزه رویاروی می طلبد به ارتش نیز بفهمانند که نمی توانند با تکیه بر امپریالیسم بر آنها زور بگویند.

هموطنان گرامی!

این که ارتش پاکستان سرانجام چه تصمیمی را اتخاذ خواهد کرد و هر نوع تغییری در پاکستان، چه بر بالای ادامه زندگی در افغانستان اشغالی از خود برجا خواهد گذاشت، مطالبی اند که می شود در آینده بدانها پرداخت، عجلتاً فقط می توان نوشت: امپریالیسم امریکا با ماجراجویی جدیدش، باز هم در صدد است تا جوی های خون را در منطقه جاری نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!